



University of Tehran Press

The Constitutional Law Challenge of Membership in International Groups: A Case Study of Iran's Membership in BRICS

Mohammad Saleh Taskhiri[✉] 

Assistant Professor, Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.
Email: ms.taskhiri@qom.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	The international developments over the past century have led to the emergence of various intergovernmental institutions regulating international relations. "Intergovernmental International Groups" (IGGs) are one of these international institutions, which have become a platform for states to converge and achieve common goals and address shared concerns. Based on the principles of the I.R.I Constitution and their interpretations, Iran's membership in international institutions is subject to ratification by the Islamic Consultative Assembly (Parliament). Since Iran's membership in BRICS was announced without Parliament's ratification, article seeks to answer the question of whether Iran's membership in BRICS without parliamentary ratification is in conflict with the rules of constitutional law. Therefore, this article, by examining the nature of IGGs, evaluates a specific category of IGGs as a continuation of the evolution of intergovernmental international organizations (IGOs), which in nature doesn't differ from current international organizations. The findings show that, based on "existing constitutional customs and practices", "the essential requirement for parliamentary approval of the consequences of BRICS membership", "the nature of this group's actions" and "the legislative history of membership in IGGs", Iran's membership, from the perspective of constitutional rules and based on the logic of international law, requires the ratification of the parliament.
Pages: 1-24	
Received: 2024/09/21	
Received in Revised form: 2024/12/14	
Accepted: 2025/05/05	
Published online: -----	
Keywords: <i>Intergovernmental International Groups (IGGs), Parliamentary Ratification, BRICS, Constitutional Custom, Self-Executing Legal System.</i>	
How To Cite	Taskhiri; Mohammad Saleh (2026). The Constitutional Law Challenge of Membership in International Groups: A Case Study of Iran's Membership in BRICS. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , -- (--), 1-24. DOI: https://doi.com/10.22059/jpls.q.2025.382656.3607
DOI	10.22059/jpls.q.2025.382656.3607
Publisher	The University of Tehran Press. 



چالش حقوق اساسی عضویت ایران در گروه‌های بین‌المللی:

مطالعه موردی عضویت در بریکس

محمد صالح تسخیری ✉

استادیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: ms.taskhiri@qom.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۲۴-۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۳۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵ تاریخ انتشار برخط: ----- کلیدواژه‌ها: گروه‌های بین‌المللی میان‌دولتی، تصویب مجلس، بریکس، عرف اساسی، نظام حقوقی خوداجرا.	تحولات بین‌المللی در یکسده اخیر منجر به تطور پرشتاب نهادهای فعال در سامان بخشیدن به مناسبات میان‌دولتی شده است. «گروه‌های بین‌المللی میان‌دولتی» یکی از این نهادهاست که به تجمعی میان دولت‌ها برای وصول به اهداف و تأمین دغدغه‌های مشترک از طریق همکاری تبدیل شده است. مبتنی بر اصول قانون اساسی و تفسیر آنها، عضویت ایران در نهادهای بین‌المللی با تصویب مجلس شورای اسلامی صورت می‌پذیرد. از آنجا که عضویت ایران در بریکس بدون تصویب مجلس اعلام شد، این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که عضویت ایران در بریکس بدون تصویب مجلس مبتنی بر حقوق بین‌الملل و حقوق اساسی چگونه ارزیابی می‌شود؟ از این‌رو نوشتار پیش‌رو با بررسی ماهیت گروه‌های بین‌المللی، دسته‌ای خاص از گروه‌های بین‌المللی را استمرار تطور سازمان‌های بین‌المللی میان‌دولتی ارزیابی می‌کند که در ماهیت تفاوتی با سازمان‌های بین‌المللی کنونی ندارد و نتیجه تطور یادشده در نهادهای فعال بین‌المللی هستند. یافته این مقاله آن است که «مبتنی بر عرف و رویه اساسی موجود»، «الزام اساسی تصویب پیامدهای عضویت در بریکس توسط مجلس»، «ماهیت اقدامات این گروه» و «پیشینه تقنینی عضویت در گروه‌های بین‌المللی»، عضویت ایران از منظر مجموعه قواعد حقوق اساسی و مبتنی بر منطق حقوق بین‌الملل، نیازمند تصویب مجلس است. از این‌رو مقاله ضمن پیامدسنجی عدم رعایت حقوق اساسی در این خصوص، راهکارهای رفع حالت کنونی را بررسی کرده است.
استناد	تسخیری، محمد صالح (۱۴۰۴). چالش حقوق اساسی عضویت ایران در گروه‌های بین‌المللی: مطالعه موردی عضویت در بریکس. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، — (—)، ۲۴-۱.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/jpls.2025.382656.3607
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

تعامل دولت‌ها در دوران کنونی هرچند در شکل‌های مختلفی صورت می‌پذیرد، اما قالب حقوقی-سیاسی «سازمان‌های بین‌المللی میان‌دولتی»^۱ همواره با اقبال بیشتری روبه‌رو می‌شود. عضویت در سازمان‌های بین‌المللی، سنجۀ گشودگی یا انسداد برونی یک حاکمیت را به نمایش می‌گذارد و هر میزان که دولت برای عضویت در این سازمان‌ها تمایل بیشتری نشان دهد، رویکرد چندجانبه‌گرایانه و عام‌گرایانه بین‌المللی آن استنباط می‌شود. از این‌رو این سازمان‌ها و نظام حقوقی حاکم بر عضویت آنها، نقطۀ تمرکز بسیاری مباحث مرتبط با حقوق و روابط بین‌الملل است.

ایران نیز در دوره‌های مختلف تلاش کرده است تا از ظرفیت سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی بهره‌بردار و منافع ملی خود را در این چارچوب تأمین و پیگیری کند. موضوعی که در قالب‌های مختلفی همانند چندجانبه‌گرایی، تغییر محور غرب-شرق، و نظایر آن در ادبیات رجال سیاسی، اما بر مدار سازکارهای حقوقی، بروز و ظهور پیدا کرده است. یک نوع از مجامع و نهادهای نوظهور که قدرت روزافزونی پیدا کرده و در حال سازواری با ساختارهای بین‌المللی مستقر است، «گروه»های بین‌المللی هستند.

تمرکز نوشتار پیش‌رو بر عضویت ایران در «گروه بریکس»^۲ به‌عنوان یک نهاد نوخاسته بین‌المللی است. ایران در طول یک‌دهه پیگیری از «مجمع دوستان بریکس» به عضویت کامل در این گروه بین‌المللی نائل شد و آن را گام بزرگی در وصول به اهداف ملی و فراملی تلقی کرد. در این نوشتار به این سؤال پرداخته می‌شود که فرایند عضویت ایران در بریکس از منظر نظام حقوقی داخلی به‌ویژه قواعد حقوق اساسی ایران با چه چالشی روبه‌روست؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا ماهیت‌شناسی اجمالی و در عین حال ضروری از گروه‌های بین‌المللی از منظر حقوق بین‌الملل ارائه شده است و تلاش شده است تا ضمن تبیین قواعد نظام حقوق داخلی ایران برای عضویت در این نهادها، به چالش موجود در فرایند عضویت ایران در بریکس و پیامدهای ناشی از غفلت از این ایراد «اساسی» پرداخته شود.

اهمیت این پژوهش را می‌توان در این موضوع دانست که پاسداری از قانون اساسی در هر نظام حقوقی، ضروری‌ترین بخش از حاکمیت قانون را به خود اختصاص می‌دهد و این موضوع، مولود جایگاه عالی قانون اساسی و هنجارهای پیرامونی آن در نظم حقوقی هر کشور است. علاوه بر این، اهمال در نظارت بر حسن اجرای قانون اساسی، قبح نادیده‌انگاری آن را به مرور زمان از بین می‌برد و همین مسأله، علاوه بر ایراد خدشه به حاکمیت قانون، آثار جبران‌ناپذیری را بر جای می‌گذارد. تازگی موضوع این مقاله منجر شده است تا اثری مکتوب در قالب کتاب یا مقاله به موضوع عضویت در گروه‌های بین‌المللی

1. Intergovernmental International Organizations (IGOs/IOs)

2. BRICS (abbreviation of Brazil, Russia, India, China, South Africa)

نپرداخته باشد. این مقاله در بخش نخست با ترسیم تطور شکلی سازمان‌های بین‌المللی، چگونگی پیدایش گروه‌های بین‌المللی را تشریح می‌کند. در قسمت دوم، به عضویت در سازمان‌های بین‌المللی از منظر حقوق اساسی می‌پردازد و با تبیین جایگاه معاهدات مؤسس گروه‌های بین‌المللی در بخش سوم، عضویت ایران در بریکس را از منظر حقوق اساسی ارزیابی می‌کند. پس از تبیین ابعاد مختلف این موضوع، در قسمت پایانی پیامدهای نقض قواعد حقوق اساسی در موضوع نوشتار پیش‌رو تشریح می‌شود.

۲. تطور سازمان‌های بین‌المللی

یکی از پایه‌های کلیدی چندجانبه‌گرایی در روابط بین‌المللی، ظهور نهادهای بین‌المللی میان‌دولتی است (Surdej, 2020: 345-346)؛ نهادهایی که محل تجمع دولت‌ها با اهداف یا دغدغه‌های مشترکی هستند و آن‌ها را از انسداد مجاری دیپلماتیک می‌رهانند و با یکسان‌سازی راهکارها، رویکردها را به سمت اقدامات جمعی سوق می‌دهند (Shaw, 2017: 988-989). این نهادهای میان‌دولتی از میانه قرن نوزدهم تاکنون دچار تحولات و به عبارت دقیق‌تر، تطور قابل توجهی شده‌اند.

نخستین شکل از تجمع دولت‌ها پیرامون هدف یا دغدغه مشترک در قالب «کنگره» یا «کنفرانس»‌های میان‌دولتی صورت پذیرفت. تجمعی از تعداد محدودی از دولت‌ها که با وجود صعوبت گردهمایی نمایندگان دولت‌ها به صورت موقت بر موضوعات محدودی متمرکز می‌شوند و نتیجه نهایی در قالب معاهداتی با زبانی حقوقی و به شیوه‌ای دیپلماتیک به امضای دولت‌های حاضر می‌رسید (Ghervas, 2015: 461). نظیر آنچه که در کنگره وین ۱۸۱۴ شکل گرفت. به تدریج و با فهم فایده‌مندی تجمع دولت‌ها برای حل مسائل مشترک یا مبتلا به عمومی، در میانه قرن نوزدهم، نهادهای موقت به گونه‌ای جدید تغییر شکل دادند و ساختارهایی شکل گرفتند که برای مسأله یا مسائل مشخصی به صورت دوره‌ای اقدام به برگزاری جلسات می‌کردند و برای رفع تعارضات و حل مسائل، مذاکره و تصمیم‌سازی جمعی می‌کردند، مثل ساختارهایی همانند کمیسیون رود راین (Reinalda, 2009: 28-30). این تفاوت نسل جدید از نهادهای میان‌دولتی با نسل سلف، استمرار فعالیتشان به‌شمار می‌آمد؛ مانند کمیسیون رود دانوب ۱۸۵۶ (Ardeleanu, 2020: 65-67). به بیان روشن‌تر، کنفرانس‌های سابق با اتمام موضوعات دستور کار، منحل و اعضای آن پراکنده می‌شدند، اما نهادهای جدید که اغلب با نام‌هایی مانند «کمیته» و «کمیسیون» نام‌گذاری می‌شدند، انحلال نمی‌یافتند، بلکه به صورت سالانه یا نیم‌سالانه، جلسات خود را برگزار می‌کردند (Reinalda, 2009: 108-109). اینکه نمایندگان دولت‌ها به صورت سالانه برای مدتی محدود جمع می‌شدند و ضمن پایش اجرای تصمیمات پیشین خود برای ادامه مسیر، تصمیمات نوینی را برمی‌گزیدند، پیشرفت مهمی در عرصه بین‌المللی به‌شمار می‌آمد.

روند تطور نهادها و به عبارت دقیق تر «سازمان‌های بین‌المللی» میان‌دولتی در اینجا متوقف نشد و نسل نوینی از ساختارهای بین‌المللی پا به عرصه گذاشت، که با گسترش موضوعات مدنظر، صلاحیت گسترده‌تری نسبت به کمیسیون‌ها و کمیته‌ها اخذ کرد. این سازمان‌های بین‌المللی تلاش کردند تا به واسطه انتخاب موضوعات مبتلا به عموم دولت‌ها، کمیت عضویت اعضا را نیز ارتقا بخشند و به نهادی برای تصمیم‌گیری جهانی یا فراگیرتر پیرامون موضوعات و دغدغه‌های مشترک تبدیل شوند (بیگزاده، ۱۳۸۹: ۷۱). همانند سازمان بین‌المللی اندازه‌گیری بین‌المللی (وزن و اندازه) که نسبت به نسل پیشین، اعضا و صلاحیت گسترده‌تری را پیدا کرده بود و به دلیل برخورداری از دبیرخانه و ارکان دائمی‌تر، تصمیماتش با کارآمدی بیشتری پی گرفته می‌شد.

با تشکیل جامعه ملل و پس از آن، سازمان ملل، این شکل از سازمان‌های بین‌المللی تکامل یافت و سازمان‌هایی پا به عرصه وجود گذاشتند که از صلاحیت عام موضوعی برخوردار بودند و ضمن حیات سازمان‌های بین‌المللی تخصصی، این سازمان‌های عام به محلی برای هماهنگی میان آنها و پیگیری کلان‌تر مسائل تبدیل شد (سازمان ملل، ۱۳۸۸: ۱۹-۲۰). همین قسم از سازمان‌های بین‌المللی نیز تکامل یافت و نسل جدیدی شکل گرفت که ضمن برخورداری از صلاحیت گسترده تصمیم‌گیری، بخشی از صلاحیت‌های حاکمیتی نظیر قانون‌گذاری و قاعده‌گذاری الزام‌آور و قضاوت فراملی نیز بدان‌ها تفویض شد (Brink, 2024: 169-172)؛ همانند آنچه که در اتحادیه اروپا و برخی سازکارهای میان‌دولتی منطقه‌ای در جریان است.

نقطه مشترک تمامی نسل‌های یادشده را می‌توان در این دانست که تمامی این مظاهر گردهمایی‌هایی بین‌المللی این است که آنها تجمعی از دولت‌ها پیرامون دغدغه‌های مشترک هستند، ارکانی دائمی برای پیگیری اهداف و برنامه‌ها دارند و برای تأسیس آنها، معاهده‌ای مؤسس (اساسنامه) به امضا می‌رسد که حاوی مهمترین صلاحیت‌ها و تعهدات دولت‌های عضو و نهاد برآمده از آن است. این شکل از نهاد بین‌المللی، در ادبیات حقوق بین‌الملل، «سازمان‌های بین‌المللی» نامیده می‌شود (Crawford & Brownlie, 2019: 156).

در گرماگرم تطور شکلی و ظاهری این سازمان‌ها، گونه‌ای جدید شکل گرفت که به مرور زمان «گروه میان‌دولتی»^۱ نامیده شد. گروه‌ها نیز تجمعی از دولت‌ها برای پیگیری اهداف و دغدغه‌های مشترک و در قالب فعالیت مستمر هستند که برای پویایی فعالیت آنها دبیرخانه دائمی مستقر در خاک یکی از اعضا، از ساختار گروه‌ها حذف شد (مشهدی و تسخیری، ۱۳۹۳: ۱۴۸) و همانطور که در ادامه بیشتر بدان پرداخته خواهد شد، در برخی از آنها به جای اساسنامه یا معاهده مؤسس، اسناد پایه‌ای دیگری جایگزین شد؛ اسنادی که به مثابه اساسنامه، چارچوب اهداف، مبانی و عملکرد گروه و اعضایش را مشخص می‌کرد.

تمایل دولت‌ها به تشکیل گروه‌های بین‌المللی را می‌توان در مشکلات عملکردی و کارکردی سازمان‌های بین‌المللی ریشه‌یابی کرد؛ مشکلاتی همانند فرایندهای بوروکراتیک افراطی، دشواری فعالیت به عدم جامعیت مفاد اساسنامه، وابستگی سازمان به دولت میزبان و اثرپذیری شدید از کارمندان متبوع آن دولت، وابستگی سازمان‌ها به دولت‌های تأمین‌کننده بخش اصلی بودجه (Bauer & Ege, 2018: 71-73; Broome et al., 2018: 517). هرچند که در نگرشی اجمالی این تمایل خالی از ایراد نیست و مشکلاتی همانند فقدان تعهدات صریح و چارچوب فعالیتی مشخص دامن‌گیر این گروه‌ها است. آنچه که از سیر تطور سازمان‌های بین‌المللی نمایان می‌شود این است که گروه‌های میان‌دولتی، گونه‌ای نوین از سازمان‌های بین‌المللی هستند و تفاوت‌های موجود در صورت و فرم آنها آسیبی به ماهیت سازمانی آنها وارد نمی‌کند و عضویت در آنها همانند عضویت در سازمان‌های بین‌المللی به‌شمار می‌آید؛ زیرا این عضویت تعهداتی حقوقی به همراه می‌آورد.

۳. بایسته‌های حقوق اساسی ایران در عضویت سازمان‌های بین‌المللی

عضویت در سازمان‌های بین‌المللی در حقوق بین‌الملل، مبتنی بر امضا و تصویب اساسنامه سازمان صورت می‌پذیرد. به بیان روشن‌تر، دولت‌ها زمانی به عضویت یک سازمان بین‌المللی درمی‌آیند که اساسنامه آن را به امضا و پس از طی تشریفات قانونی داخلی، به تصویب برسانند (Hurd, 2021: 175). اساسنامه از منظر منابع شکلی حقوق بین‌الملل، یک معاهده محسوب می‌شود و در ماهیت به‌منزله قانون اساسی یک سازمان بین‌المللی است؛ از این‌رو تمامی قواعدی که در حقوق بین‌الملل بر معاهدات حاکم است، راجع به اساسنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی نیز صدق می‌کند (Brölmann, 2012: 4-5). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصل هفتادوهفتم، تمامی معاهدات با هر نامگذاری (عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی) باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. اصل یکصد و بیست و پنجم با صراحت بیشتری در رابطه با موضوع این نوشتار تصریح می‌کند که «امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی او است». مراد از «اتحادیه‌های بین‌المللی»، سازمان‌های بین‌المللی در اشکال و انواع آن است که قانونگذار اساسی تصویب پیمان‌های مربوط به آنها را در صلاحیت مجلس دانسته است (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۱۲۵۵-۱۲۵۸). هر آنجا که نام تصویب مجلس به میان می‌آید، گریزی از نظارت اساسی شورای نگهبان نیست. شورای نگهبان در طول قریب به پنج دهه اعمال نظارت بر مصوبات مجلس درخصوص معاهدات بین‌المللی از جمله اساسنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی، نظرات و نظریاتی را ارائه کرده است که تبدیل

به عرف و رویه «اساسی» شده‌اند و بسیاری از آنها بعدها در متون الزام‌آور در قوانین موضوعه (همانند قانون آیین‌نامه داخلی مجلس) یا مقررات لازم‌الاجرا همانند «آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافق‌های بین‌المللی» و «دستورالعمل تنظیم شکلی توافق‌های حقوقی بین‌المللی» منعکس شده است.

عرف و رویه اساسی، مجموعه رفتارها و واقعیاتی می‌باشد که مبتنی بر فهم از قانون اساسی شکل گرفته‌اند و رابطه آنها با الفاظ مندرج در قانون اساسی، رابطه اسم و مسمی است (سلطانی، ۱۳۹۹: ۱۱۲). آنچه که برخی نویسندگان حقوقی را بر آن داشته است تا از آن با عنوان «عرف» یاد کنند این است که برای این رویه‌ها و مجموعه رفتارها، تکرار رفتار مشابه (عنصر مادی) همراه با اعتقاد به الزام‌آور بودن (عنصر معنوی) قائل شده‌اند (سلطانی، ۱۳۹۹: ۳۲۹). رفتارهایی که مبنایی در حقوق و متون قانونی دارند و به دنبال پر کردن یک خلأ در حقوق اساسی هستند. در نظام حقوق اساسی ایران، نظرات و نظریات شورای نگهبان به‌عنوان مقام مفسر قانون اساسی، در تشکیل عرف یا رویه اساسی نقش اصلی داشته است.

شورای نگهبان الحاق به سازمان‌های بین‌المللی را مبتنی بر اصول فوق مشروط به تصویب اساسنامه آنها در مجلس شورای اسلامی می‌داند و در مقام نظارت بر آنها، تصویب اصل اساسنامه توسط مجلس را الزامی برمی‌شمارد. در سال‌های آغازین انقلاب، این سؤال در قالب استفساریه رئیس مجلس از شورا طرح می‌شود که «شورای محترم نگهبان! لویحی در خصوص الحاق ایران به سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی از قبیل بانک توسعه اسلامی در مجلس مطرح می‌شود. در اینکه اینگونه موارد از مصادیق عهدنامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی مذکور در اصل ۷۷ می‌باشد یا نمی‌باشد، بین نمایندگان اختلاف نظر وجود دارد، لطفاً نظر آن شورای محترم را در این خصوص بفرمائید» (نامه رئیس مجلس به شماره: ۳۲۸۵۱/۲۵۰/د.ه به تاریخ: ۱۳۶۶/۱۰/۲۲). شورا در پاسخ تصریح می‌کند که «با توجه به اینکه بر الحاق‌های مورد سؤال علیه طرفی که ملحق می‌شود نتایجاً آثار موارد مذکور در اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی مرتب می‌شود، در حکم موافقت‌نامه است و باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد» (نظریه شورا به شماره: ۱۰۱۳۷، به تاریخ: ۱۳۶۶/۱۰/۲۹). شورا یک مرحله فراتر می‌رود و همانطور که عضویت را منوط به تصویب مجلس می‌داند، بر اساس منطق حاکم بر حقوق معاهدات، تمدید عضویت یا خروج از آن را نیز از صلاحیت‌های مجلس معرفی می‌کند و از این باب بود که دولت مکلف به ارائه «لایحه راجع به ادامه عضویت ایران در سازمان ایپیکا و کنگره جهانی نفت و اوپک» شد.

این تأکید شورا منجر شد تا در «آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافق‌های بین‌المللی» مصوب ۱۳۷۱، پس از آنکه توافق‌نامه‌های بین‌المللی به سه دسته نزاکتی، حقوقی تشریفاتی و حقوقی ساده تقسیم شدند، در ماده هفتم تصریح شود که توافق‌نامه‌های مرتبط با «تأسیس و عضویت در اتحادیه‌ها، مجامع و سازمان‌های بین‌المللی» از نوع توافق‌های حقوقی تشریفاتی است که برخلاف توافق‌های نزاکتی، تعهدآور است و برخلاف تعهدات ساده، به‌صرف امضا وارد مرحله اجرا نمی‌شود و نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی است.

۴. جایگاه معاهده مؤسس در گروه‌های بین‌المللی

تکامل شکل و فرم «گروه»‌های بین‌المللی در طول زمان منجر شده است تا در حقوق بین‌الملل کنونی دو نسل از گروه‌ها زیست بین‌المللی داشته باشند. دسته نخست که نسل ابتدایی گروه‌ها به‌شمار می‌آیند، تجمعاتی از دولت‌های عضو یک سازمان هستند که برای هماهنگی و اتخاذ موضع یکسان در قالب سازکارهای رسمی یک سازمان بین‌المللی بزرگتر شکل گرفته‌اند (Williams, 1987: 219-220). این تجمعات که با فراکسیون‌های پارلمانی در حقوق داخلی قرابت دارند، از اساسنامه یا معاهده مؤسس و یا هر آنچه که تداعی‌کننده این مفهوم باشد بی‌بهره‌اند. شکل‌گیری گروه ۷۷ و گروه ۲۴ در چارچوب سازمان تجارت جهانی و گروه بانک جهانی، نمونه این گروه‌ها به‌شمار می‌آید (Mohammed, 2003: 327-328 Preface; Lees, 2023). و هدف اصلی آن، نزدیک ساختن ذهنیت، خواسته‌ها و مواضع دولت‌های در حال توسعه در تصمیم‌سازی‌های بین‌المللی به‌ویژه در چارچوب آنکتاد بوده و هست.

پویایی و فقدان سازکارهای بوروکراتیک گروه‌های فوق منجر شد، تا در طول زمان ارتقا پیدا کند و دسته جدیدی از «گروه»‌های بین‌المللی شکل بگیرد. نسل جدید از گروه‌ها صرفاً در چارچوب اتخاذ موضع مشترک در یک سازمان بین‌المللی نمی‌گنجد بلکه کوشید تا با ایجاد یک ساختار جدید تصمیم‌گیر، گونه جدیدی از سازمان‌های بین‌المللی را به منصه ظهور برساند (Biedermann, 2015: 88-91). شاخصه بارز این دسته از گروه‌های بین‌المللی آن است که همانند یک سازمان بین‌المللی، تجمعی از دولت‌ها با تصمیم‌سازی الزام‌آور در خصوص اهداف و دغدغه‌های مشترک است با این جهش ساختاری که برخلاف نسل غالب سازمان‌های بین‌المللی، دبیرخانه ثابت و دولت میزبان دائم ندارند و فاقد معاهده مؤسس هستند (Atli, 2015: 146). این بدان معنا نیست که دسته دوم گروه‌های بین‌المللی فاقد محل استقرار هستند، بلکه میزبانی این گروه‌ها به صورت دوره‌ای یا سالیانه با یکی از دولت‌های عضو است.

اما درخصوص معاهده مؤسس که محل بحث اصلی نوشتار پیش‌رو به‌شمار می‌آید، گروه‌های بین‌المللی با انصراف عامدانه از معاهدات مؤسس، اسناد پایه‌ای و چارچوب‌سازی‌ای دارند که علاوه بر تعیین امور شکلی و سازکاری، بسیاری از چارچوب‌های فعالیت‌های آنها را مشخص می‌کنند. برای مثال در «گروه ویژه اقدام مالی» که خود ریشه در «گروه جی‌هفت» دارد، «بیانیه مشترک» اجلاس اقتصادی تورنتو ۱۹۸۸ به‌عنوان سند پایه به‌شمار می‌آید. پس از این، اعلامیه آرشور ۱۹۸۹ صادر شد و متعاقب آنها، اقدامات داخلی برای تبعیت از تصمیمات گروه ویژه اقدام مالی صورت گرفت (حبیبی و زر نشان، ۱۴۰۰: ۳۰۴).

بیانیه تأسیس در تمامی گروه‌های بین‌المللی نسل دوم، امری رایج است و دارای شأن سند مؤسس است؛ هرچند که مفاد آن کلی است. از این‌رو بود که نام «سازمان‌های بین‌المللی نرم» بر روی این گروه‌ها گذاشته شد، زیرا قالب سخت معاهده را به تن نکردند (Borlini & Montanaro, 2016: 15-).

17). این گروه‌ها ضرورتاً از این اسناد برخوردار هستند، زیرا فعالیت آنها در قالب اتخاذ موضع باقی نمانده است و آنها در صدد هستند تا تصمیماتی را برای اقدامات جمعی بگیرند و آنها را با ماهیت اجبارکننده و الزام‌آور به اجرا درآورند (Otudor & Bagheri, 2023: 2-3). طبیعتاً اینگونه اقدامات نیازمند چارچوب و طرزکاری است که دولت‌های عضو ابتدا باید بر سر آنها به توافق برسند. مهم‌ترین تفاوت دسته اول و دسته دوم گروه‌های بین‌المللی در همین ماهیت اقدامات و در نتیجه برخورداری از اسناد پایه است؛ بر این اساس، گروه‌های دسته دوم در زمان تشکیل و یا به عبارت دقیق‌تر تأسیس توسط دولت‌های عضو همواره سندی را به‌عنوان «بیانیه» تأسیس و نظایر آن منتشر می‌کند. هرچند نهایی‌سازی این بیانیه به دشواری معاهده مؤسس نیست، اما در آخر هر دولت، این اسناد پایه‌ای که بدل از معاهده مؤسس به‌شمار می‌آید را بر اساس نظام حقوقی داخلی به‌ویژه مقررات «اساسی» خود و مبتنی بر تصمیم‌گیری نهادهای صلاحیت‌دار داخلی به تصویب می‌رسانند. منطقی که با نظام حقوقی حاکم بر معاهدات و نظام حقوقی عضویت در سازمان‌های بین‌المللی انطباق دارد. این منطق توسط دولت‌های مختلف به رسمیت شناخته شده است. مثلاً مصر برای عضویت در گروه بریکس، مبتنی بر قانون اساسی خود مصوبه‌ای از پارلمان خود اخذ کرد (Ahranmonline, 2023). همچنین لزوم ارائه اسناد درخواست عضویت، تصمیم‌گیری جمعی برای پذیرش عضویت دولت جدید، وجود دولت ناظر و اعلام رسمی پذیرش عضویت که از ویژگی‌های سازمان‌های دارای اساسنامه است (Droess, 2020: 103)، در گروه‌های دسته دوم نیز وجود دارد و این دلیلی برای اثبات این مدعاست.

یکی از تفاوت‌های گروه‌های نسل اول و نسل دوم در همین موضوع است. به بیان روشن‌تر با وجود حذف معاهده از گروه‌های نسل دوم اما در آنها «فرایند عضویت» از قبیل درخواست عضویت، پذیرش عضویت و تصویب آن هنوز باقی مانده است. این بدان معنا می‌باشد که با وجود حذف معاهده مؤسس، اثر ملازمه‌ای آن هنوز باقی است زیرا نسل دوم گروه‌ها در حقیقت استمرار سازمان‌های بین‌المللی میان‌دولتی در شکل نوینی هستند و با نسل اول، تفاوت ماهیتی دارند.

۵. ایراد اساسی عدم تصویب عضویت در بریکس

در یازدهم دی‌ماه ۱۴۰۲ مصادف با اول ژانویه ۲۰۲۴، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، خبر آغاز عضویت کامل ایران در بریکس را اعلام کرد. این در حالی بود که پیش از این اعلام، برخی مقامات سطوح عالی نظام از جمله ریاست‌جمهور وقت صرفاً در نشست‌های بریکس حضور داشتند و سندی برای مجلس شورای اسلامی برای تصویب عضویت ایران در بریکس به مجلس ارسال نشد. در این قسمت به این موضوع پرداخته می‌شود که براساس ماهیت مسأله و رویه اساسی موجود، آیا لزومی به تصویب عضویت ایران در بریکس وجود دارد؟

۵.۱. مغایرت با عرف و رویه اساسی

درخصوص الحاق ایران به گروه‌های بین‌المللی، عرف و رویه‌ای اساسی در نظام حقوقی ایران وجود دارد که با منطق حقوقی تشریح‌شده در این مقاله ناظر به ماهیت سازمان‌واره بودن گروه‌های دسته دوم، مطابقت دارد. مبتنی بر این منطق حقوقی، عضویت و الحاق به گروه‌های بین‌المللی نیز مشمول تصویب مجلس می‌شود. در این خصوص، تا پیش از عضویت ایران در بریکس، تردیدی در این زمینه وجود نداشته است. این موضوع با نص ماده هفتم «آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافق‌های بین‌المللی» نیز مطابقت دارد. ماده هفتم آیین‌نامه مربوط به معاهدات تشریفاتی است که لازم‌الاجرا شدن آنها نیازمند طی تشریفات قانون اساسی به‌ویژه تصویب مجلس شورای اسلامی است. در این ماده در کنار سازمان‌های بین‌المللی، عضویت در «اتحادیه‌ها و مجامع» بین‌المللی مشمول تصویب مجلس دانسته شده است؛ محتوای این ماده مبتنی بر اصل ۱۲۵ قانون اساسی است و در این اصل نیز تعبیر «اتحادیه»‌های بین‌المللی عیناً آمده است. اطلاق تعبیری همانند اتحادیه و مجامع به یقین شامل موجودیت‌هایی همچون بریکس می‌شود.

علاوه بر این، رویه اساسی شورای نگهبان و مجلس نیز همین منطق را تأیید می‌کند. در الحاق ایران به گروه هفت کشور در حال توسعه (دی هشت)، دولت اقدام به ارائه لایحه مجزایی به مجلس شورای اسلامی کرد. این لایحه با عنوان «قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در گروه هشت کشور در حال توسعه (گروه دی هشت)» به تصویب مجلس رسید. از آنجا که گروه دی هشت متعلق به دسته دوم گروه‌ها به شمار می‌آید و یک تجمع دارای تصمیمات الزام‌آور محسوب می‌شود، مجلس در ماده واحده این قانون، «به دولت اجازه داد در گروه هشت کشور در حال توسعه (گروه دی هشت) عضویت یابد».

شورا پس از تصویب لایحه در مجلس، نه‌تنها تصویب عضویت در گروه‌های بین‌المللی را بلاوجه و غیرضروری معرفی نکرد، بلکه در ایراد به این مصوبه بیان کرد که «تصویب عضویت در گروه هشت کشور در حال توسعه (گروه دی هشت) مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این گروه (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور ضمیمه ماده واحده به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر؟ بنابراین اظهارنظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب اظهارنظر خواهد شد» (نامه شورا به شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۴، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۸/۱۹). این ایراد شورا دقیقاً ماهیت سازمان‌واره بودن «دی هشت» را تقویت می‌کند، زیرا سند پایه‌ای تأسیس گروه را مطالبه می‌کند.

در پاسخ به این ایراد، مجلس مبتنی بر اینکه گروه‌ها که فاقد اساسنامه هستند، «بیانیه استانبول» را برای شورا ارسال می‌کند و آن را به‌عنوان ضمیمه قانون عضویت ایران به تصویب می‌رساند. بیانیه استانبول درخصوص تأسیس گروه دی هشت، یک تفاهم‌نامه و حاوی مطالبی کلی بدون درج تعهدات

مرسوم در معاهدات مؤسس سازمان‌های بین‌المللی است. دولت‌های امضاکننده بیانیه استانبول به دنبال اهدافی واقعی بودند، بدون اینکه درج کلیات به اهداف آنها آسیبی وارد کند (Yıldız, 2023: 579). در حقیقت دولت و مجلس وقت با فهم درست از نظام حقوقی ایران و ضرورت «اساسی» لزوم «تصویب» عضویت ایران در مجامع بین‌المللی توسط مجلس، سند پایه‌ای دی هشت را به تصویب رساندند و در متن قانون عضویت ایران در دی هشت نیز همانند دیگر معاهدات، انطباق با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را شرط کردند.

این در حالی است که هیچ‌گاه سندی مبتنی بر عضویت ایران در بریکس برای مجلس ارسال نشد. از این رو، فرایند اعلام عضویت کامل ایران و پیش از آن، توافقات ایران و بریکس درخصوص عضویت ایران در این گروه، مغایرت جدی با قانون اساسی، عرف و رویه اساسی نظام حقوقی ایران دارد و گذشت زمان این الزام را از بین نمی‌برد. شاید این ایراد گرفته شود که آیا مصوبات بریکس برای دولت ایران الزام‌آور خواهد بود که عضویت در آن، مستلزم تصویب مجلس باشد؟ در پاسخ باید به این نکته اشاره کرد که مصوبات هیچ‌کدام از سازمان‌های بین‌المللی مستقیماً اثر اجرایی در حقوق داخلی ندارد و حتی مصوبات در مرز قانونگذاری برخی سازمان‌های بین‌المللی همانند سازمان بین‌المللی کار نیز از مجرای پذیرفته‌شده در حقوق اساسی هر دولت وارد نظم حقوقی شده و دارای اثر الزام‌آور می‌شود (Gironde et al., 2019: 10). در نتیجه عدم اثرگذاری مستقیم مصوبات بریکس، همسان تمامی سازمان‌های بین‌المللی است و دلیلی بر عدم تصویب عضویت در یک سازمان نیست.

یکی از دلایل لزوم تصویب عضویت در گروه‌های بین‌المللی توسط مجلس، آثار و پیامدهای ناشی از عضویت است؛ که در رویه اساسی برآمده از نظرات شورای نگهبان و عملکرد تقنینی مجلس، همواره نیازمند تصویب پارلمان بوده است. نخستین و همیشگی‌ترین پیامد عضویت پرداخت حق عضویت است. شورای نگهبان در رویه خود قریب به بیست‌مرتبه، ایراد اصل هشتادم قانون اساسی را ناظر به «پرداخت حق عضویت» در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی گرفته است. از نظر شورا «مستفاد از اصل ۸۰ قانون اساسی این است که هر گونه کمک باید به‌طور موردی به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد»، بنابراین در هر معاهده مؤسس یک سازمان، شرط «لزوم تصویب حق عضویت توسط مجلس» ضمن تصویب معاهدات درج می‌شود (نظر شورا ناظر به لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مشارکت (کنسرسیوم) زیرساخت کلید عمومی به شماره، ۶۰۱۸/۱۰۲/۹۴، به تاریخ: ۱۳۹۴/۱۲/۲۶).

از فزونی این ایراد، لزوم تصویب هرگونه حق عضویت توسط مجلس اصطیاد می‌شود. عضویت ایران در نهادهای دارای نام‌های مختلف، از جمله انجمن، اتحادیه، مجمع، گروه، بنیاد، آژانس، مجموعه و نظایر آنها در رویه شورای نگهبان و مجلس همواره مستلزم تصویب مجزا در مجلس دانسته شده است؛ مثلاً

نظر شورای نگهبان بر لوایحی مانند لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در «انجمن» همکاری منطقه‌ای کشورهای حاشیه اقیانوس هند (نامه شورا به شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۷، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۱۱)، لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در «اتحادیه» بین‌المللی تأیید صلاحیت آزمایشگاهی (نامه شورا به شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۴۵۵، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۱۱)، لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در «مجمع» بین‌المللی تأیید صلاحیت (نامه شورا به شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۴۵۲، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۱۱)، لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در «شورای» برق کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (نامه شورا به شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۴۵۱، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۱۱)، لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در «بنیاد» اروپایی مدیریت کیفیت (نامه شورا شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۴۵۶، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۱۱)، لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در «آژانس» جهانی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ) (نامه شورا به شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۵۷۴، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۲۳)، لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در «کانون» بین‌المللی منتقدان تئاتر (نامه شورا به شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۴۶۵، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۱۱)، لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در «مجموعه» مدارک تحقیقات حمل‌ونقل بین‌المللی (نامه شورا به شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۴۶۳، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۱۱). در این چنین موارد، ایراد شورا از آن منظر است که دولت ایران مکلف به پرداخت حق عضویت در مجامع فوق (با نام‌های مختلف) است و این حق عضویت باید به صورت مجزا به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

رویه موجود شورا در ارتباط با سازمان‌های فوق، درخصوص موجودیت‌هایی با عنوان «گروه» نیز وجود دارد؛ همانند نظر شورا لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در «گروه» مطالعات بین‌المللی مس (نامه شورا به شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۹، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۱۱). همین عامل منجر شد تا دولت در لایحه عضویت ایران در گروه دی هشت، متن لایحه را به این شیوه تنظیم کند که «به دولت اجازه داده می‌شود در گروه هشت کشور در حال توسعه (گروه دی هشت) به شرح بیانیه پیوست عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط، اقدام نماید». شورای نگهبان نه تنها ناظر به پرداخت حق عضویت، بلکه درخصوص هرگونه «امکان پرداخت مالی» این ایراد را می‌گیرد؛ مثلاً شورا ماده ۳ لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مرکز آسیایی کاهش بلایا را که چنین مقرر کرده بود «مرکز علاوه بر کمک‌های مالی کشورهای عضو، می‌تواند وجوه خاص و کمک‌های مالی دیگری را بپذیرد و فعالیت‌های تحقیقاتی در زمینه موضوعات مربوط به کاهش بلایا را به منظور تقویت توانمندی‌های خود، انجام دهد». با ایراد اصل هشتادم روبه‌رو کرد (نامه شورا به شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۶، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۱۱).

۵.۲. ماهیت اقدامات گروه‌های دسته دوم

گروه‌های دسته دوم همانطور که پیش‌تر بیان شد، خود را صرفاً محل تجمعی برای تبادل و وصول به

وحدت نظر نمی‌بینند، در قامت یک سازمان بین‌المللی، تصمیم‌سازی می‌کند و دولت‌های عضو را مکلف می‌سازد تا این تصمیمات را در داخل کشورهای خود اجرا کنند (Nance, 2018: 148-149)؛ تصمیماتی که طیف گسترده‌ای از اقدامات اجرایی، مقررہ‌گذاری‌های خاص و حتی تصویب معاهدات مدنظر گروه را شامل می‌شود. قسم اخیر یعنی تصویب معاهدات، بالاترین ردهٔ هنجارگذاری یک گروه به شمار می‌آید که برای وصول اهداف عالی خود، یا دولت‌های عضو را مکلف به رعایت معاهدات ازپیش‌ساخته می‌کند و یا رأساً معاهداتی را می‌سازد. مثلاً گروه اقدام ویژهٔ مالی را ملزم به عضویت در معاهداتی همانند کنوانسیون پالرمو می‌کند (Silveira, 2009: 7) و یا معاهده‌سازی گروه دی هشت و الحاق ایران به آن در قالب «موافقتنامهٔ تسهیل تشریفات اعطای روادید به بازرگانان کشورهای عضو گروه دی هشت». این دسته از معاهدات که در چارچوب یک سازمان تحمیل می‌شود (Opt-in) هرچند که استقلال یک دولت را خدشه‌دار نمی‌کند، اما به واسطهٔ نظام تنبیهات-محرومیت‌ها عملاً اثر مشابهی با الزام بیرونی به همراه می‌آورد. نظامی که ابتدا در برخی سازمان‌های بین‌المللی همانند سازمان تجارت جهانی تجربه و بعدها به گروه‌ها همانند گروه اقدام ویژهٔ مالی منتقل شد.

آنچه که درخصوص بریکس اهمیت دارد این نکته است که بریکس همانند گروه‌های نسل دومی، یک سازمان بین‌المللی است. بریکس تمامی عناصر یک سازمان بین‌المللی را دارد زیرا که تجمعی از دولت‌ها برای دغدغه و هدف مشترک، با ساختارهای دائمی است. بریکس همانند دیگر سازمان‌های بین‌المللی موجود دارای ارکان دائمی است؛ ارکانی همانند نشست سران، وزراء، مجمع پارلمانی، مراجع عالی قضایی و کارگروه‌های دائمی جزئی (جامعهٔ مدنی و ...) و بانک توسعهٔ جدید (وابسته به بریکس) است.

بریکس شخصیت حقوقی مستقل نیز دارد و همین عاملی است که از منظر منطق حقوقی، تصویب در مجلس را بایسته می‌کند. شخصیت حقوقی بریکس از جنس شخصیت حقوقی صریح نیست؛ شخصیتی که در معاهدات مؤسس بدان تصریح می‌شود (Shaw, 2017: 991-993)؛ بلکه همانند برخی سازمان‌های بین‌المللی این شخصیت، «شخصیت حقوقی ضمنی» است. شخصیت حقوقی ضمنی که سالیان درازی در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است، از اقدامات دولت‌های عضو برداشت و فهم می‌شود (Ibe, 2021: 185). ملاک برخورداری از شخصیت حقوقی ضمنی، استقلال موجودیت نخواستہ از دولت‌های عضو است (Klabbers, 2022: 12). این استقلال درخصوص بریکس به‌وضوح قابل استدلال و اثبات است. نخست اینکه در صورت فقدان استقلال شخصیت، ضرورتی به طی فرایند طولانی مدت «عضویت کامل» در این گروه نبود. به بیان روشن‌تر «اعلام رسمی» آغاز فرایند عضویت و پس از آن، طی تشریفات اداری برای «عضویت کامل» گواهی است که بریکس، موجودیت مستقلی است که عضویت در آن، عضویت در یک موجودیت دارای شخصیت حقوقی است. در حقوق بین‌الملل،

شخصیت حقوقی اصلی متعلق به دولت‌ها است و سازمان‌های بین‌المللی، شخصیت حقوقی خود را به صورت صریح یا ضمنی از دولت‌ها دریافت می‌کنند (Rama-Montaldo, 1970). اعطای شخصیت حقوقی به هر یک از انحاء یادشده، نیازمند پذیرش دولت‌ها است و این پذیرش از مجرای تشریفات قانون اساسی به‌ویژه تصویب پارلمان صورت می‌پذیرد. هر سازمان بین‌المللی برای خود دارای راهبردها و ملاحظات است که آنها را در زمان عضویت عضو جدید مدنظر قرار می‌دهد (Tallberg & Zürn, 2019: 587). از این‌روست که پذیرش عضویت بخش جدایی‌ناپذیر سازمان‌های بین‌المللی دارای شخصیت حقوقی مستقل است. منطقی که در زمان تصویب عضویت ایران در بریکس نیز ملاحظه شد. دوم اینکه علاوه بر عضوگیری، این موجودیت مستقل اقدام به صدور اسناد بین‌المللی با نام خود و مستقل از اعضای اصلی و الحاقی می‌کند و در اقدامات خود به دنبال نمایش «هویت مستقل» بریکسی است. بریکس به صورت مستقل مخاطب تابعان حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد و همین خطاب مستقل، دلیلی بر کسب شخصیت حقوقی بین‌المللی است (Shaw, 1997: 184). نتیجه دیگر برخورداری از استقلال شخصیت حقوقی در حقوق بین‌الملل، توانایی ایجاد روابط حقوقی و توانایی انعقاد توافق با تابعان حقوق بین‌الملل است (Bedjaoui, 1991: 33)، که بریکس نیز از این امکان بهره‌مند است. سوم آنکه بریکس دارای «صلاحیت عملکردی» بین‌المللی است. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی جبران خسارت وارده به ملل متحد، برخورداری سازمان ملل از شخصیت حقوقی مستقل را ناشی «صلاحیت تفویض شده توسط دولت‌ها» و «توانایی عملکردی» این سازمان می‌داند (ICJ, 1949: 189). صلاحیت تفویض شده دلیل اصلی اعتبار شخصیت حقوقی ضمنی است (Klabbers, 2022: 56-58). صلاحیت عملکردی در بیان دیوان به معنای اعطای صلاحیت به سازمان ملل برای ایفای وظایف مندرج در منشور ملل متحد توسط دولت‌های عضو بوده و توانایی عملکردی به معنای اثبات قابلیت‌های اجرایی توسط ارکان آن سازمان است. سران بریکس در نشست‌های مختلف، حوزه اختیارات وسیعی را برای بریکس طراحی و برخی از آن را به منصب ظهور رسانده‌اند. تأسیس «بانک توسعه جدید» و تلاش برای دلارزدایی از معاملات میان اعضا (Duggan et al., 2022: 500-501)، تقویت ابعاد نظامی بریکس (به‌ویژه توسط چین و روسیه) (Shallal & Mahidi, 2023: 1397) و خیز برای همگرایی در امنیت سایبری (Belli, 2021: 16) نیز بخشی از حرکت‌های نخستین این گروه در حال توسعه است که گواه از اعتبار شخصیت حقوقی برای بریکس دارد.

۵.۳. واکنش‌های حقوقی

در نشست سران بریکس در آفریقای جنوبی، رئیس‌جمهور این کشور برای نخستین بار از موافقت اعضای اصلی با عضویت کامل جمهوری اسلامی ایران از اول ژانویه ۲۰۲۴ خبر داد (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت،

شناسه خبر: ۱۴۶۲۵۴، مورخ ۲ شهریور ۱۴۰۲). پس از این نائب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس مبتنی بر رویه موجود اعلام کرد که «مجلس شورای اسلامی در آینده پیش‌رو همانگونه که مقدمات عضویت جمهوری اسلامی ایران در شانگهای را فراهم کرد، تشریفات قانونی عضویت ایران در بریکس را نیز پیگیری خواهد کرد تا به دولت برای پیوستن به این مجموعه بین‌المللی اثرگذار کمک کند». مقتدایی ادامه داد: «پذیرش این امر از سوی بریکس گام اول بوده و گام بعدی نیز طی شدن فرایند قانونی آن در داخل کشور است، که مجلس و کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس وظایف قانونی و رسالت خود را در این حوزه انجام خواهد داد.» (عباس مقتدایی، خبرگزاری خانه ملت، کد خبر: ۳۶۷۳۵۱، مورخ ۶ شهریور ۱۴۰۲).

ظواهر امر مسلم بودن تصویب عضویت در بریکس را نشان می‌دهد تا اینکه در تاریخ اول ژانویه ۲۰۲۴، سخنگوی وزارت امور خارجه از عضویت کامل ایران در این گروه بین‌المللی خبر داد (خبرگزاری ایرنا، کد خبر: ۸۵۳۳۹۸۰۳، مورخ ۱۱ دی ۱۴۰۲). فارغ از ارزیابی عاقدانه یا سهوی بودن انصراف از ارائه لایحه توسط دولت و عدم بازخواست جدی از جانب مجلس، یک‌ماه پس از این، معاون حقوقی ریاست جمهوری (دکتر محمد دهقان) اعلام کرد که «در مورد بریکس نظر حقوقی بر این است که با وجود تفاوت‌هایی که با سازمان همکاری شانگهای دارد و با توجه به الزامات و تعهدات باید لایحه {عضویت} در مجلس تصویب شود.» و تکلیف آماده ساختن لایحه را بر عهده بانک مرکزی و وزارت امور خارجه دانست (خبرگزاری ایسنا، کد خبر: ۱۴۰۲۱۱۰۶۰۴۰۱۱، مورخ ۶ بهمن ۱۴۰۲). اینکه در دولتی که اقدام به اعلام عضویت کامل بریکس صورت پذیرفت، دارنده یک «سمت حقوقی» عالی دولت بر لزوم ارائه لایحه توسط دولت اذعان کرده است، خود گواهی بر وقوع انحرافی از مسیر قانون اساسی است. با وجود اذعان معاون حقوقی رئیس‌جمهور وقت مبنی بر ایراد این معاونت و درخواست آن از وزارت امور خارجه در ارسال لایحه عضویت ایران، این الزام اساسی جامه عمل نپوشید تا اینکه به واسطه سانحه سقوط هلیکوپتر و مرگ ناگهانی ریاست‌جمهور (زنده‌یاد حجت‌الاسلام رئیسی) و وزیر امور خارجه (زنده‌یاد دکتر امیرعبداللهیان) دولت نیمه‌کاره ماند و دولت جدید بر سر کار آمد.

۶. پیامد نقض قواعد حقوق اساسی

در فرض این مقاله که دولت با نقض قواعد حقوق اساسی به عضویت بریکس درآمده است، حال این سؤال پیش کشیده می‌شود که پیامد نقض قواعد یادشده چیست؟ در ابتدا باید گفت که قانون اساسی، نظام حقوقی «خوداجرا» دارد؛ نظامی که به دلیل برخورداری از برترین جایگاه در هرم قواعد حقوقی یک کشور، نیازمند به تضمین مادون نیست زیرا که قواعد اساسی نتیجه انتخاب عقلانی است که به‌مرور و

به خودی خود موارد نقض را کنار می‌گذارد (Benvindo, 2021: 749-751). قانون اساسی متولد توازن منافع مجریان (صاحبان صلاحیت‌های حاکمیتی) و حمایت از شبکه مردم ذی‌نفع است و همین عامل بیش از وجود ضمانت اجرای «تنبیهی» منجر به دوام اجرای قانون اساسی می‌شود (Brenner et al., 2003: 13-15). این ویژگی قانون اساسی، نظم و قواعد شکل‌گرفته مبتنی بر آن است.

با این مقدمه، به دلیل تناقض عملکرد دولت وقت با تعهدات «اساسی» در اخذ تصویب مجلس و طی تشریفات قانونی، دولت بعدی با یک اختیار و یک تکلیف روبه‌رو است. «اختیار» اینکه از ادامه عضویت در بریکس عدول و آن را مستند به نقض قواعد حقوق اساسی خود کند؛ و یا اینکه به دلیل برخورداری منافع ملی، عضویت خود را استمرار بخشد که در این صورت با «تکلیف» ارائه لایحه قانونی روبه‌رو می‌شود. این سؤال ممکن است مطرح شود که آیا عضویتی که با توجه به تصمیم مقامات عالی‌ه بوده و اعتراضی بدان نشده است را می‌توان مستند به نقض قانون اساسی ملغی کرد؟ در این خصوص باید گفت که حقوق بین‌الملل این فرض را منتفی نمی‌داند و همانگونه که در ادامه تشریح خواهد شد، غفلت از رعایت حقوق داخلی برای پیوستن به معاهدات بین‌المللی امری محال نیست.

هرچند که عبارت مندرج در اصل ۱۲۵ درخصوص «پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی» بسیار کلی است، اما مستفاد از مشروح مذاکرات دو نکته برداشت می‌شود: نخست اینکه قانونگذار اساسی با وجود اینکه اقدام «امضا» از صلاحیت‌های اجرایی دولت است اما از باب احتیاط مبتنی بر پیشینه تاریخی این موضوع در نظام قانونگذاری و برقراری نظارت پیشینی، تصویب مجلس را شرط کرده است (خلف‌رضایی، ۱۳۹۴: ۴۹-۵۲)؛ و دوم اینکه تخصیص به‌ذکر «پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی» نشان از اهمیت خاص آن است؛ چه آنکه پیش از این عبارت، تصویب «عهدنامه‌ها، مقاوله نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران» را در صلاحیت مجلس دانسته است و ضرورتی برای تکرار آن نیست، مگر به دلیل اهمیت خاص آن (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۱۲۵۵-۱۲۵۸). در نتیجه فلسفه تصویب معاهدات وجود احتیاط در روابط بین‌المللی است و این موضوع در عضویت سازمان بین‌المللی، اهمیت فزون‌تری می‌یابد.

دولت‌ها در تصویب یک معاهده ملتزم به حقوق اساسی خود هستند. به بیان دیگر، تصویب یک معاهده هرچند اثری بین‌المللی دارد اما عملی است که مبتنی بر حقوق داخلی به‌ویژه تشریفات قانون اساسی صورت می‌پذیرد (Fitzmaurice & Elias, 2005: 373). از این رو حقوق بین‌الملل دولت‌ها را مخیر کرده است که مبتنی بر نظم حقوقی داخلی، تشریفات را برای تصویب معاهدات در نظر بگیرند (Sloss, 2009: 68). مسئولیت پایش و رعایت مقررات ماهوی و شکلی داخلی درخصوص عمل تصویب با دولتی است که در نهایت تصویب را به دولت خارجی (در معاهدات دوجانبه یا چندجانبه محدود) و امین

(در معاهدات جهانی و چندجانبه نامحدود) اعلام می‌دارد. حال اگر دولتی بدون طی تشریفات لازم‌الاجرای داخلی، تصویب یک معاهده را به طرف‌های خارجی یا نهاد بین‌المللی اعلام کند، تکلیف چیست؟

اعلام تصویب یک معاهده بدون رعایت مقررات حقوق داخلی از منظر حقوق بین‌الملل، «تصویب ناقص یا بی‌قاعده» نامیده می‌شود. تصویب ناقص یا بی‌قاعده بیانگر این مفهوم است که دولت اعلام‌کننده تصویب معاهده بدون رعایت مقررات ماهوی و شکلی داخلی درخصوص عمل تصویب، به نهاد بین‌المللی یا طرف خارجی، تحقق «تصویب» به صورت قانونی و طبق تشریفات حقوق داخلی را صراحتاً بیان کند (Klabbers, 2023: 125). رویکرد حقوق بین‌الملل درخصوص استناد به موارد این‌چنینی، رویکردی مضیق است (Gardiner, 2015: 65). به عبارت دیگر، حقوق بین‌الملل استناد به نقایص داخلی برای ادعای بی‌اعتباری رضایت به التزام دولت درخصوص یک معاهده را در حالت کلی مسموع نمی‌داند مگر در موارد خاص (Hollis, 2020: 248). دلیل این رویکرد مضیق آن است که در صورت گسترده بودن اختیارات دولت‌ها برای طرح ادعاهایی مبنی بر نقض در رعایت تشریفات و مقررات تصویب، امکان سوءاستفاده از این اختیار و بروز هرج‌ومرج در نظام تعهدات بین‌المللی پیش خواهد آمد.

از این رو، حقوق بین‌الملل امکان استناد به ادله داخلی برای بطلان یا بی‌اعتباری یک معاهده را مقید و محدود ساخته است. مبتنی بر ماده ۴۶ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات سه شرط «بارز و آشکار بودن»، «ابتنای بر حسن نیت» و «نقض قاعده دارای اهمیت بنیادین» برای استناد به حقوق داخلی برای خدشه به رضایت به التزام درخصوص یک معاهده ضروری است (Gardiner, 2023: 65). ماده ۴۶ تصریح می‌کند که «هیچ دولتی نمی‌تواند با این عذر که رضایتش در پیوستن به معاهده ناقض قانون داخلی مربوط به صلاحیت انعقاد معاهدات بوده است، به معیوب بودن رضایت خود استناد کند مگر اینکه تخلف بارز بوده و قانونی را نقض کند که دارای اهمیت بنیادین است. نقض قانون داخلی آنگاه بارز است که برای دولتی که طبق رویه معمول و حسن نیت در این باره عمل کرده است، عیناً آشکار باشد».

فلسفه اصلی درج حق استناد به حقوق داخلی در مواردی که نقض آشکار قواعد بنیادین صورت پذیرفته، آن است که معاهدات پس از تصویب، وارد نظم حقوقی داخلی می‌شود و در صورت تعارض با مفاد بنیادین حقوق داخلی، تعارض ماهوی یا شکلی به وجود می‌آید (Gardiner, 2015: 19). استناد به تصویب ناقص یا بی‌قاعده در موارد یادشده، در حقوق بین‌الملل کنونی مسلم و پذیرفته شده است (فلسفی، ۱۳۸۳: ۳۱۷-۳۱۸). در تعریف مشخصه «بنیادین» بودن یک نقض، صاحب‌نظران حقوقی بر این باورند که نقض اصول مسلم مربوط به قانون اساسی را می‌توان بنیادین و موجد تصویب ناقص یا نیمه‌کاره دانست (Fitzmaurice, 2005: 373 & Elias); بلکه حتی نقض نظم، قواعد، عرف و رویه‌های اساسی شکل گرفته در راستای اجرای این قانون را نیز می‌توان مشمول این ماده دانست (Klabbers, 2020: 555-557). درخصوص نقض ماده ۴۶ پرونده‌ای در رویه قضایی محاکم بین‌المللی وجود ندارد. استناد دولت پاناما به اصل ۳۲۵

قانون اساسی خود در بطلان معاهده کانال پاناما با آمریکا، استناد سنای آمریکا به تجاوز رئیس جمهور از صلاحیت‌های مندرج در قانون اساسی در امضای معاهده کمپ دیوید ۲ (Meron, 1978: 191)، و ابطال معاهده ۲۰۱۳ میان عراق و کویت درخصوص معاهده تنظیم دریانوردی در منطقه خور عبدالله مبتنی بر نقض تشریفات قانون اساسی عراق، نمونه‌هایی از استناد به ماده ۴۶ کنوانسیون حقوق معاهدات است. شاخصه این پرونده‌ها را می‌توان نقض آشکارای مفاد قانون اساسی دانست. حقوق بین‌الملل نیز بر همین رویه مهر تأیید می‌گذارد و استناد به حقوق داخلی برای نقض تعهدات بین‌المللی را به سادگی نمی‌پذیرد، مگر در موارد آشکار و درخصوص مقررات دارای ارزش بنیادین در نظم حقوقی یک کشور.

نقض اصول ۲۷، ۱۲۵ و ۸۰ قانون اساسی و رویه اساسی شکل گرفته بر اساس آن، موضوعی است که در روند عضویت ایران به بریکس را کاملاً مشهود و قابل اثبات می‌کند. تنها ایرادی که در اجرای این مقرر می‌توان طرح کرد اجرای مبتنی بر «حسن نیت» آن است (Kolb, 2023: 106). به این معنا که یک دولت در استناد به این مقرر به دنبال فرار از اجرای تعهدات نباشد. در پرونده پیش‌رو با توجه به تذکر پسینی معاون حقوقی دولت وقت، می‌توان «پسینی» بودن این تذکر را دلیلی بر عدم التفات ساختار اجرایی به گذراندن تشریفات قانون اساسی دانست و از آنجا که استمرار عضویت در این گروه مدنظر کلیت نظام سیاسی، فارغ از قوه مجریه است، پس می‌توان به این نتیجه رسید که بهترین کنشگری پس از «تذکر پسینی»، گذراندن پسینی فرایند قانون اساسی برای مشروعیت بخشیدن به ادامه حضور در این گروه و نظارت بر عدم وقوع مکرر نقض قانون اساسی در این مورد است.

حال این سؤال پیش می‌آید که از منظر حقوق بین‌الملل، آیا امکان خروج از بریکس و بازگشت مجدد به آن وجود دارد؟ نظام حقوق بین‌الملل نظامی افقی است و اراده هم‌وزن دولت‌هاست که منشأ اثر حقوقی می‌شود (Reynolds et al., 2018: 2). از همین رو، اصل رضایی بودن در بسیاری از ساحات حقوق بین‌الملل، به‌ویژه حقوق بین‌الملل معاهدات، جایگاه کانونی دارد (Hollis, 2005: 4). همانگونه که پیوستن به یک معاهده (همانند معاهده مؤسس یک سازمان یا نهاد میان‌دولتی) با رضایت و اختیار کامل یک دولت صورت می‌پذیرد، خروج از آن نیز با همین اراده آزاد دولت میسر است.

یکی از مفادی که اساسنامه سازمان‌های میان‌دولتی همواره مورد توجه قرار می‌دهند، قواعد مربوط به خروج از یک سازمان بین‌المللی است. دولت‌ها هرچند از اصل آزادی اراده برای خروج از سازمان بهره‌مند هستند اما همین اراده آزاد در چارچوب قواعد سازمان، خروج یک کشور از سازمان را به نتیجه می‌رساند (Magliveras, 2011: 98-99; Klabbers, 2015: 52). خروج از گروه‌ها هنوز سامان مدونی به خود نگرفته است و بریکس تاکنون خروج عضو را تجربه نکرده است، اما تجربه گروه‌های دیگر این واقعیت را اثبات می‌کند که قواعد حاکم بر خروج یا اخراج از سازمان‌های بین‌المللی درخصوص گروه‌ها نیز صادق است، به‌ویژه اصل اراده آزاد دولت‌ها در عضویت و بقای عضویت در گروه‌ها (Beisheim et al., 2022: 3).

رویه اساسی ایران مبتنی بر این است که همانطور که عضویت ایران در سازمان‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس برسد، خروج از عضویت آن نیز باید توسط مجلس تصویب شود. این در حالی است که در موضوع بریکس، عضویت ایران در این نهاد میان‌دولتی بدون تصویب مجلس صورت پذیرفت؛ در نتیجه اعلام خروج آن نیز مستلزم تصویب مجلس شورای اسلامی نیست. از آنجا که بریکس نیز فاقد سند مصوبی درخصوص نحوه خروج یا اخراج است، در نتیجه اعلام ایران مبنی بر خروج نیز با موانعی خارجی روبه‌رو نخواهد بود. با توجه به این نکته که خروج ایران راه را برای عضویت مجدد در این گروه نمی‌بندد، آنچنان که در سازمان‌های بین‌المللی نیز بر همین منوال است (Kubas, 2023: 275)، یادآوری این نکته نیز ضروری است که ایده اصلی این نوشتار مبتنی بر خروج از بریکس نیست، بلکه نویسنده بر آن است که تشریفات حقوق اساسی هرچند به صورت پسینی باید درخصوص عضویت در بریکس صورت پذیرد و دولت، به صورت مؤخر بر اعلام صورت‌پذیرفته، لایحه تصویب عضویت در بریکس را به مجلس ارائه کند. عدم رعایت این موضوع، راه را برای انحراف از این قاعده حقوق اساسی درباره لزوم تصویب عضویت ایران در نهادها و مجامع بین‌المللی به شکل نامتعارفی خواهد گشود.

۷. نتیجه

ظهور گروه‌های بین‌المللی مولود اهمیت کانونی تعاملات سازکارمند دولت‌ها و فرار از برخی موانع بورکراتیک است. هرچند خاستگاه اصلی این گروه‌ها تجمع دولت‌های عضو همسو در سازمان‌های بین‌المللی بود، اما به تدریج، گروه‌ها به گونه‌ای جدید از سازمان‌های بین‌المللی میل شدند که ضمن برخورداری از عناصر سازنده یک «سازمان بین‌المللی» (از جمله عضویت دولت‌ها، برخورداری از هدف و دغدغه مشترک و ارکان دائمی)، عمدتاً از استقرار در یک دولت عضو اجتناب داشتند. همچنین شکل تکامل‌یافته گروه‌ها به جای بهره‌مندی از معاهده مؤسس (اساسنامه)، از اسناد پایه‌ای همانند بیانیه تأسیس و نظایر آن برخوردار هستند که کارکردی همانند اعلام تشکیل موجودیت جدید را بر عهده دارند. ایران در دی‌ماه ۱۴۰۲ (ژانویه ۲۰۲۴) عضویت کامل در گروه بریکس را اعلام کرد، درحالی‌که تشریفات قانونی تصویب در مجلس شورای اسلامی را طی نکرده بود. عضویت در سازمان‌های بین‌المللی به دلیل برخورداری از معاهدات مؤسس، مبتنی بر اصول ۷۷ و ۱۲۵ همواره به تصویب مجلس رسانده می‌شد. برداشت اساسی مبتنی بر این اصول، رویه تقنینی کشور (در اخذ تصویب مجلس برای عضویت ایران در گروه‌های بین‌المللی) و واکنش مقام‌های حقوقی، گویای این نکته است که عضویت در بریکس، از منظر قواعد حقوق اساسی ایران مستلزم تصویب در مجلس شورای اسلامی است و این موضوع با منطق احتیاطی قانونگذار اساسی نیز انطباق دارد.

عضویت ایران در بریکس دولت را در برابر یک تصمیم مخیر می‌کند: اختیار اعلان بی‌اعتباری عضویت ایران در بریکس مبتنی بر مفهوم «تصویب بی‌قاعده و ناقص» یا استمرار عضویت در این گروه. در فرض اخیر که با منطق بین‌المللی و تلاش‌های فراوان صورت گرفته است، برای پیوستن به بریکس مطابقت دارد، دولت مکلف است که با ارائه لایحه عضویت در بریکس هرچند به صورت مؤخر و پسینی، از نقض قواعد حقوق اساسی، خود را برهاند و مسیر منحرف‌شده را به جایگاه اصلی بازگرداند و عدم اهتمام به این موضوع، راه را برای سوءاستفاده و انحراف از قواعد قانون اساسی خواهد گشود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۹). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*. تهران: مجد.
۲. خلف‌رضایی، حسین (۱۳۹۴). *موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با بررسی تحلیلی نظرات شورای نگهبان*. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
۳. سازمان ملل (۱۳۸۸). *سازمان ملل در دنیای امروز*. تهران: دفتر هماهنگ‌کننده سازمان ملل در ایران و مرکز اطلاعات سازمان ملل در تهران.
۴. سلطانی، سیدناصر (۱۳۹۹). *حقوق اساسی نانوشته (گفتارهایی درباره عرف‌های اساسی در نظام حقوق اساسی فرانسه)*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴). اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ج ۲.
۶. علی، مشهدی و تسخیری، محمد صالح (۱۳۹۳). *بایسته‌های سازمان‌های بین‌المللی*. تهران: خرسندی.
۷. فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل معاهدات*. ج ۲، تهران: نو.

ب) مقاله

۸. حبیبی، حبیب‌الله و شهرام، زرنشان (۱۴۰۰). نقش و جایگاه گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در نظام حقوق بین‌الملل. *پژوهش‌های حقوقی*، ۲۰ (۴۵)، ۲۹۹-۳۲۲.

پ) نظریات و نظرات شورای نگهبان

۹. نظر شورای نگهبان درخصوص لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در انجمن همکاری منطقه‌ای کشورهای حاشیه اقیانوس هند. شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۷، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۱۱.

۱۰. نظر شورای نگهبان درخصوص لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه بین‌المللی تأیید صلاحیت آزمایشگاهی. به شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۴۵۵، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۱۱.
۱۱. نظر شورای نگهبان درخصوص لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در آژانس جهانی مبارزه با زورافزایی (دوپینگ). به شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۵۷۴، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۲۳.
۱۲. نظر شورای نگهبان درخصوص لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در بنیاد اروپایی مدیریت کیفیت. به شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۴۵۶، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۱۱.
۱۳. نظر شورای نگهبان درخصوص لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در شورای برق کشورهای مستقل مشترک‌المنافع. به شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۴۵۱، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۱۱.
۱۴. نظر شورای نگهبان درخصوص لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در قانون بین‌المللی منتقدان تئاتر. به شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۴۶۵، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۱۱.
۱۵. نظر شورای نگهبان درخصوص لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در گروه مطالعات بین‌المللی مس. به شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۹، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۱۱.
۱۶. نظر شورای نگهبان درخصوص لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در گروه هشت کشور در حال توسعه (گروه دی - ۸) به شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۴، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۸/۱۹.
۱۷. نظر شورای نگهبان درخصوص لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مشارکت (کنسرسیوم) زیرساخت کلید عمومی به شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۴، به تاریخ: ۱۳۹۴/۱۲/۲۶.
۱۸. نظر شورای نگهبان درخصوص لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجمع بین‌المللی تأیید صلاحیت. شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۴۵۲، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۱۱.
۱۹. نظر شورای نگهبان درخصوص لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجموعه مدارک تحقیقات حمل‌ونقل بین‌المللی. به شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۴۶۳، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۱۱.
۲۰. نظر شورای نگهبان درخصوص لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مرکز آسیایی کاهش بلایا. به شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۶، به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۱۱.
۲۱. نظریه شورای نگهبان. به شماره: ۱۰۱۳۷، به تاریخ: ۱۳۶۶/۱۰/۲۹.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Ardeleanu, C. (2020). *The European Commission of the Danube, 1856-1948: an experiment in international administration*. Brill.
2. Atli, A. (2015). *Islam as a catalyst for economic integration? The case of the developing-eight*. International Congress for Asian and North African Studies (ICANAS).
3. Bauer, M. W., & Ege, J. (2018). *Bureaucratic autonomy of international organizations' secretariats. In Governance by International Public Administrations (71-89)*. Routledge.

4. Bedjaoui, M. (editor) (1991). *International Law: Achievements and Prospects*, Paris & Netherland, UNESCO & Nijhoff[Martin Nijhoff Publisher].
5. Beisheim, M., Berger, A., Brozus, L., Kloke-Lesch, A., Scheler, R., & Weinlich, S. (2022). *The G7 and multilateralism in times of aggression: Maintaining and strengthening cooperative and inclusive approaches for the global common good*. Policy Brief, T7 Task Force International cooperation for the global common good.
6. Belli, L. (Ed.). (2021). *CyberBRICS: Cybersecurity regulations in the BRICS countries*. Springer Nature.
7. Brenner, T., Buitrago, G., & González, L. G. (2003). *Self-Enforceability of Constitutions*. German Institute for Economic Research (DIW)
8. Brink, M. (2024). *Legislative authority and interpretation in the European union*. Oxford University.
9. Crawford, J., & Brownlie, I. (2019). *Brownlie's principles of public international law*. USA: Oxford University.
10. Dörr, O., & Schmalenbach, K. (2018). *Vienna convention on the law of treaties*. Springer.
11. Droege, G. (2020). *Membership in International Organizations* (133-203). TMC Asser.
12. Fitzmaurice, M., & Elias, O. (2005). *Contemporary issues in the law of treaties*. Eleven International.
13. Gardiner, R. (2023). *Treaties*. Oxford University Press.
14. Gardiner, R. K. (2015). *Treaty interpretation*. Oxford University Press, USA
15. Hollis, D. B. (2020). *The Oxford guide to treaties*. Oxford University Press
16. Hurd, I. (2021). *International organizations: Politics, law, practice*. Cambridge University.
17. ICJ (1949), International Court of Justice, *Reparation for the Injuries Suffered in the Service of the United Nations*.
18. Klabbers, J. (2020). *The Validity and Invalidity of Treaties*. In *The Oxford Guide to Treaties*: 2nd Edition (545-567). Oxford University.
19. Klabbers, J. (2022). *An introduction to international organizations law*. Cambridge University.
20. Klabbers, J. (2023). *The concept of treaty in international law*, Vol. 22, BRILL.
21. Kolb, R. (2023). *The law of treaties: An introduction*. Edward Elgar.
22. Magliveras, K. D. (2011). Membership in international organizations. In *Research handbook on the law of international organizations*. Edward Elgar.
23. Mohammed, A. A. (2003). *Burden Sharing at the IMF*, Center for International Development Harvard University
24. Otudor, L. E., & Bagheri, M. (2023). *Legitimacy of power exercised by FATF under international law*. Financial Crime.
25. Reinalda, B. (2009). *Routledge history of international organizations: from 1815 to the present day*. Routledge.
26. Shaw, M. N. (2017). *International law*. Eighth edition, Cambridge university press.
27. Shaw, M. N. (1997), *International Law*, third edition, UK, Cambridge.
28. Silveira, A. J. A. (2009). *The International Standards on Combating Money Laundering: a Brazilian Perspective*, The George Washington University, Washington.
29. Sloss, D. (2009). *The role of domestic courts in treaty enforcement: a comparative*

study. Cambridge University.

30. Williams, M. A. (1987). *The Group of 77 in UNCTAD: Anatomy of a Third World coalition* (Doctoral dissertation, London School of Economics and Political Science)

B) Articles

31. Benvindo, J. Z. (2021). Self-enforcing constitutional amendments rules: a dialogue with Richard Albert's Constitutional Amendments: Making, Breaking, and Changing Constitutions. *Revista de Investigações Constitucionais*, 7, 733-753.
32. Ahranmonline (2023). Parliament approves agreement allows Egypt to join BRICS group's New Development Bank. Sunday 29 Jan 2023
33. Biedermann, M. (2015). G8 principles: Identifying the anonymous. *International Law & Management Review*, 11, 72.
34. Borlini, L., Montanaro, F. (2016). The evolution of the EU law against criminal finance: the hardening of FATF standard within the EU. *Geo. J. Int'l L.*, 48, 1009.
35. Brölmann, C. M. (2012). Specialized rules of treaty interpretation: international organizations.
36. Broome, A., Homolar, A., & Kranke, M. (2018). Bad science: International organizations and the indirect power of global benchmarking. *European journal of international relations*, 24 (3), 514-539.
37. Duggan, N., Carlos, J., Azalia, L., & Rewizorski, M. (2022). The structural power of the BRICS (Brazil, Russia, India, China and South Africa) in multilateral development finance: A case study of the New Development Bank. *International Political Science Review*, 43 (4), 495-511.
38. Ghervas, S. (2015). The Long Shadow of the Congress of Vienna: From International Peace to Domestic Disorders. *Modern European History*, 13 (4), 458-463.
39. Gironde, Ch., Carbonnier, G., & Panizza, U. (2019). *The ILO@ 100: Addressing the past and future of work and social protection* (320). Brill.
40. Hollis, D. B. (2005). Why State Consent Still Matters-Non-State Actors, Treaties, and the Changing Sources of International Law. *Berkeley Journal of International Law*, 23, 137.
41. Ibe, E. Ch. (2021). Legal Personality of the Subjects of International Law. *International Review of Law and Jurisprudence*, 3, 181.
42. Klabbers, J. (2015). The EJIL foreword: the transformation of international organizations law. *European Journal of International Law*, 26 (1), 9-82.
43. Kubas, S. (2023). Withdrawal of a Member State from the International Labour Organization. *Krytyka Prawa*, 15 (2), 267-276.
44. Lees, N. (2023). The endurance of the G77 in international relations: South-South ideology and voting at the United Nations 1970-2015. *Japanese Journal of Political Science*, 24 (3), 310-330.
45. Meron, Th. (1978). Article 46 of the Vienna Convention on the Law of treaties (ultra vires treaties): some recent cases. *British Yearbook of International Law*, 49 (1), 175-199.
46. Nance, M. T. (2018). Re-thinking FATF: an experimentalist interpretation of the Financial Action Task Force. *Crime, Law and Social Change*, 69, 131-152.
47. Rama-Montaldo, M. (1970). International legal personality and implied powers of

- international organizations. *British Yearbook International Law*, 44, 111.
48. Reynolds, E., De Oliveira, A. J. S. N., Onuki, J., & Winters, M. S. (2018), Attitudes toward Consent-Based and Non-Consent-Based International Law in a Regional Power Context. *International Interactions*, 44 (4), 661-680.
49. Shallal, D. T., & Mahidi, M. H. (2023). The political and military importance of the BRICS countries. *Anbar University for Law and Political Sciences*, 13 (2 part 2), 1386-1415.
50. Surdej, A. (2020). Multilateralism and international governmental organizations: principles and instruments. *Transforming Government: People, Process and Policy*, 14 (3), 337-350.
51. Tallberg, J., & Zürn, M. (2019). The legitimacy and legitimation of international organizations: Introduction and framework. *The Review of International Organizations*, 14, 581-606.
52. Yıldız, M. (2023) Turkey, D-8 And Its Role In International Politics. *TESAM Akademi Dergisi*, 9 (2), 573-593.

References In Persian:

A) Books

1. Beigzadeh, E. (2010). *The Law of International Organizations*. Tehran: Majd (In Persian).
2. Khalaf-Rezaei, H. (2015). *International Agreements in the Legal System of the Islamic Republic of Iran with an Analytical Review of the Opinions of the Guardian Council*. Tehran: Research Institute of the Guardian Council (In Persian).
3. United Nations (2009). *The United Nations in Today's World*, United Nations Coordinator's Office in Iran and United Nations Information Center in Tehran, Tehran (In Persian).
4. Soltani, S. N. (2020). *Unwritten Constitutional Law (Essays on Constitutional Customs in the French Constitutional System)*. Tehran: Sahami Enteshar Company (In Persian).
5. *Detailed Minutes of the Final Review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran* (1985). General Directorate of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Consultative Assembly, Vol. 2 (In Persian).
6. Mashhadi, A., & Taskhiri, M. S. (2014). *Essentials of International Organizations*. Tehran: Khorsandi (In Persian).
7. Falsafi, H. (2004). *The International Law of Treaties*. Tehran: Now, 2nd edition (In Persian).

B) Articles

8. Habibi, H., & Zarneshan, Sh. (2021). The Role and Status of the Financial Action Task Force (FATF) in International Law. *Legal Research Journal*, 20 (45), DOI: [10.48300/jlr.2021.129442](https://doi.org/10.48300/jlr.2021.129442) (In Persian).

C) Opinions of the Guardian Council

9. Opinion of the Guardian Council regarding the bill on the membership of the Islamic Republic of Iran in the Indian Ocean Rim Association, No. 29447/30/87, dated 11/9/1387.
10. Opinion of the Guardian Council regarding the bill on the membership of the Islamic Republic of Iran in the International Laboratory Accreditation Cooperation, No. 29455/30/87, dated 11/9/1387.
11. Opinion of the Guardian Council regarding the bill on the membership of the Islamic Republic of Iran in the World Anti-Doping Agency (WADA), No. 29574/30/87, dated 23/9/1387.
12. Opinion of the Guardian Council regarding the bill on the membership of the Islamic Republic of Iran in the European Foundation for Quality Management (EFQM), No. 29456/30/87, dated 11/9/1387.
13. Opinion of the Guardian Council regarding the bill on the membership of the Islamic Republic of Iran in the Electricity Council of the Commonwealth of Independent States, No. 29451/30/87, dated 11/9/1387.
14. Opinion of the Guardian Council regarding the bill on the membership of the Islamic Republic of Iran in the International Association of Theatre Critics, No. 29465/30/87, dated 11/9/1387.
15. Opinion of the Guardian Council regarding the bill on the membership of the Islamic

- Republic of Iran in the International Copper Study Group, No. 29449/30/87, dated 11/9/1387.
16. Opinion of the Guardian Council regarding the bill on the membership of the Islamic Republic of Iran in the Group of Eight Developing Countries (D-8), No. 29074/30/87, dated 19/8/1387.
17. Opinion of the Guardian Council regarding the bill on the membership of the Islamic Republic of Iran in the Public Key Infrastructure Consortium, No. 94/102/6018, dated 26/12/1394.
18. Opinion of the Guardian Council regarding the bill on the membership of the Islamic Republic of Iran in the International Accreditation Forum, No. 29452/30/87, dated 11/9/1387.
19. Opinion of the Guardian Council regarding the bill on the membership of the Islamic Republic of Iran in the International Transport Research Documentation, No. 29463/30/87, dated 11/9/1387.
20. Opinion of the Guardian Council regarding the bill on the membership of the Islamic Republic of Iran in the Asian Disaster Reduction Center, No. 29446/30/87, dated 11/9/1387.
21. Opinion of the Guardian Council, No. 10137, dated 29/10/1366.